

Haralambos and Holborn (2000), *Sociology (Themes and Perspectives)*, London: Harper Collins.

Marshall, T.H. (1973), *Class, Citizenship and Social Development*, Westport, Conn: Greenwood.

Sills, D. (1968), *Political Participation, International Encyclopedia of the social Science*, New York: Collier-McMillan, Vol. 12, No. 3.

محمدجواد زاهدی، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور است (نویسنده مسئول).

J_zahedi@yahoo.com

علی بیرانوند، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهش‌گر مسائل اجتماعی است.

تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

تحلیل تفاوت‌های مکانی سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی کشور

(مقایسه تطبیقی مراکز شهری و روستایی شهرستان ارومیه)

خدارحم بزی، اکبر کیانی، یاسین حنیفی اصل، امیر راضی

چکیده : سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی مهم و اساسی در ابعاد مختلف توسعه یک جامعه، موضوع پژوهش حاضر است. اهمیت اش آن‌قدر زیاد است، که از زوایای گوناگون روند رشد و توسعه یک جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. با توجه به تحولات اخیر جهان (به‌ویژه در سطح منطقه خاورمیانه) و اعمال فشارهای مختلف بر کشور، از ناحیه دولت‌های خارجی در راستای دستیابی به اهداف زیاده‌طلبانه خود، بحث مرزداری و حفظ و صیانت از مرزهای کشور در مقابل این فشارها، می‌تواند به عنوان یک امر سرنوشت‌ساز مطرح باشد. مطابق با این امر، اساس مطالعات این تحقیق در بُعد اول بر پایه نظریه جین جیکوب مبنی‌بر این‌که در حفظ و نگهداری و بالابردن کیفیت زندگی در یک مکان، عامل سرمایه اجتماعی نسبت به نهادهای رسمی (نیروهای حفاظتی و انتظامی) نقش و مسئولیت بیشتری ایفا می‌کند، استوار می‌باشد. منطبق بر همین ایده و در بُعد دوم، با توجه به شیوع تفکر رشد نقاط شهری در مناطق مرزی و با فرض بالابودن میزان سرمایه اجتماعی در نقاط روستایی

نسبت به مراکز شهری، نامناسب بودن اندیشه رشد نقاط شهری با هزینه تخلیه روستاها در نقاط مرزی مطرح شده است، که با ضرورت‌های ژئوپلیتیکی منافات خواهد داشت. در نتیجه مطابق با این ابعاد، در این پژوهش مفهوم سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک عامل سرنوشت‌ساز در راستای سیاست‌گذاری‌های مرزی با تأکید بر حفظ و صیانت از مرزها فرض شده است و این مهم‌ترین هدف تحقیق است. قلمرو جغرافیایی این بررسی، مقایسه مراکز روستایی و شهری، واقع در سطح شهرستان ارومیه (به‌عنوان یک منطقه حساس مرزی در شمال غرب کشور) انتخاب شدند و بررسی سرمایه اجتماعی و پیگیری اهداف تحقیق در این قلمرو جغرافیایی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی با استفاده از ابزار پرسشنامه است. نرم‌افزارهای آماری (SPSS) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (ARC, GIS) نیز جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه نقشه‌های تحلیلی منطقه به‌کار گرفته شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف آن، در سطح مراکز روستایی بیشتر از مراکز شهری است. به طوری که طبق نظریه جین جیکوب در زمینه نقش بیشتر بالابودن سرمایه اجتماعی در یک مکان در حفظ و نگهداری آن نسبت به نهادهای رسمی، می‌توان به بالابودن میزان سرمایه اجتماعی در سطح مراکز روستایی منطقه مورد مطالعه اشاره کرد، که این وضعیت می‌تواند به‌عنوان یک پتانسیل در سطح مراکز روستایی تلقی شده و در روند سیاست‌گذاری‌های مرزی دولت مؤثر واقع گردد. از طرف دیگر با توجه به بالابودن میزان سرمایه اجتماعی مراکز روستایی نسبت به مناطق شهری مورد مطالعه، اندیشه رشد نقاط شهری در مناطق مرزی با هزینه تخلیه نقاط روستایی که در سال‌های اخیر شتاب گرفته، چندان نمی‌تواند الگوی مناسبی باشد و با ضرورت‌های ژئوپلیتیکی منافات خواهد داشت.

مفاهیم کلیدی : تفاوت‌های مکانی، شهر و روستا، سرمایه اجتماعی، مناطق مرزی، شهرستان ارومیه.

مقدمه

امروزه توجه به بحث سرمایه اجتماعی و اثرات آن در جوامع شهری و روستایی یکی از مهم‌ترین موارد علاقه‌مندی صاحب‌نظران و اندیشمندان جهت حل معضلات اجتماعی است. انباشت سرمایه اجتماعی¹ و به دنبال آن رفتارهای دیگرخواهانه و داوطلبانه شهروندی در

جامعه ایران، که بر اثر تاریخی پر آشوب و استبدادی مجال کافی برای تمرین دموکراسی و بسط حوزه عمومی نداشته، با مشکل مضاعفی روبه‌رو است (روشنفکر و ذکایی، 1385: 2) که یکی

¹.social capital

از موارد بارز آن، دخالت روزافزون دولت در سیاست‌های تأمین اجتماعی در ایران است که به کاهش ابتکارات اجتماعی مستقل جامعه مدنی منجر شده است (تاجبخش، ثقفی و کوهستانی‌نژاد، 1382: 194).

در نشریات، سخنرانی‌های سیاسی و اجتماعی اشارات مکرری به سرمایه اجتماعی می‌رود و تصور پیامدهای مثبت ناشی از آن در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته چنان گسترش یافته که عموم بر این باورند که این پدیده می‌تواند بسیاری از مشکلات جامعه را درمان کند (فیروزآبادی و جاجرمی، 1385: 2). همچنین سرمایه اجتماعی هسته اصلی جامعه محسوب می‌شود و موجب می‌شود کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نمایند و از این طریق به اهداف خود دست یابند (باستانی و هیکویی، 1386: 2). در یک کشور فرایند توسعه با اتکا به ساختارها و نهادهای اجتماعی، عمیق‌تر و پایدارتر خواهد بود و می‌توان توسعه را غنی‌سازی کنش‌های اجتماعی ناشی از افزایش تمایل به مشارکت و اعتماد اجتماعی دانست (تشکر و معینی، 1381: 139).

چنانچه بخواهیم یک تعریفی از سرمایه اجتماعی داشته باشیم عبارت خواهد بود از «شبکه‌ای از روابط و پیوندهای مبتنی بر اعتماد اجتماعی بین‌فردی و بین‌گروهی و تعاملات افراد با گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است که قرین همبستگی و انسجام اجتماعی و برخورداری افراد و گروه‌ها از حمایت اجتماعی و انرژی لازم برای تسهیل کنش‌ها در جهت تحقق اهداف فردی و جمعی می‌باشد» (عبداللهی و موسوی، 1386: 2). «پاتنام نیز در تعریفی از سرمایه اجتماعی، تمام ویژگی‌های اجتماعی نهادها و سازمان‌ها از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی را سرمایه اجتماعی نامیده است» (Putnam, 1993: 167).

با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت موضوع، به این نتیجه می‌رسیم که امروزه سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از پارامترهای مهم در کشورهای توسعه‌یافته و به‌خصوص کشورهای در حال توسعه مطرح شده که می‌تواند از زوایای مختلف در روند رشد و توسعه این کشورها مؤثر باشد، حتی براساس نظر تعدادی از اقتصاددانان کشورهای در حال توسعه، بحث سرمایه اجتماعی به عنوان حلقه مفقوده در روند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها مطرح شده است. درنتیجه با توجه به اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی و اثرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی یک جامعه، در این پژوهش نوع نگاه به مفهوم سرمایه اجتماعی یک دید ژئوپولیتیکی بوده است که سعی شده با استفاده از امر

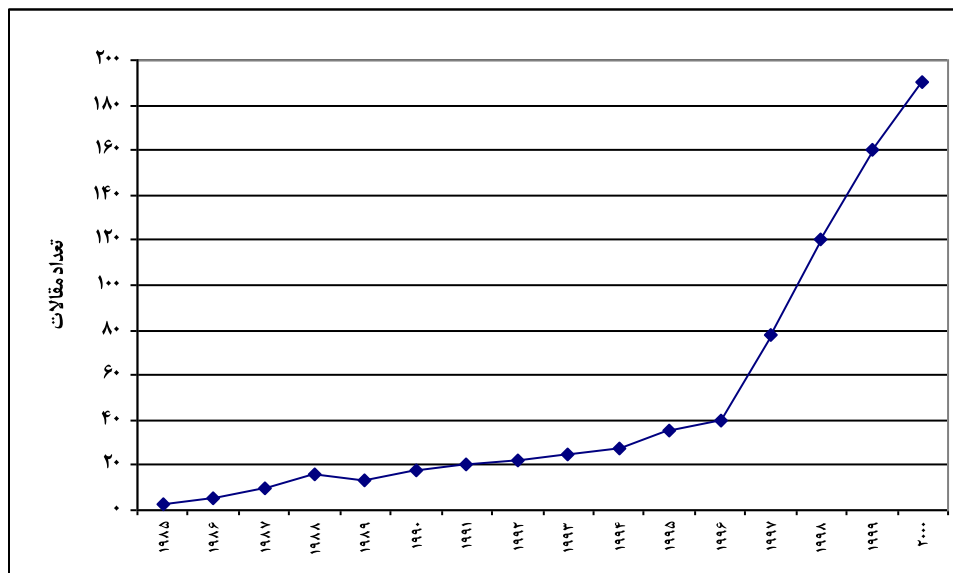
سرمایه اجتماعی موضوع حفظ و صیانت از مرزهای کشور توصیف و تبیین شود. چنانچه با توجه به تحولات سیاسی اخیر جهان و افزایش فشارهای مختلف از ناحیه دولت‌های خارجی بر علیه نظام جمهوری اسلامی در راستای دستیابی به اهداف زیاده طلبانه خود، موضوع مرزها و حفظ و نگهداری از آنها در این برهه زمانی می‌تواند به‌عنوان يك امر خیلی حساس و ضروری مطرح باشد. بدیهی است که اگر نگاهی به گذشته داشته باشیم می‌بینیم که نقاط روستایی واقع در کمربند مرزی کشور، همواره در نگهداری و حفظ مرزهای کشور نقش کلیدی داشته‌اند. در نتیجه جهت مقابله با توطئه‌های مختلف دشمن و بالطبع نگهداری از مرزها، ما به بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی (میزان همبستگی، میزان اعتماد، میزان اعتماد به ارگان‌های دولتی و...) در سطح مراکز سکونتی مرزی، به‌عنوان يك عامل مهم در دیدگاه مردم نسبت به یکدیگر و بالطبع نسبت به دولت، به‌عنوان يك عامل تدافعی در مقابل فشارهای خارجی، نیاز داریم. برای دستیابی به تمام اهداف ذکر شده، در این پژوهش تمام سعی بر این بوده که وضعیت توزیع جغرافیایی سرمایه اجتماعی، در محدوده مرزهای شمال غرب کشور بررسی شده و تفاوت بین نقاط شهری و روستایی در ارتباط با امر مهم سرمایه اجتماعی در این مناطق ارزیابی شود (با توجه به تحولات اخیر در سطح جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه، این امر در سطح منطقه می‌تواند دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای باشد). که جهت انجام این امر سه نقطه روستایی واقع در دهستان مرگور (از توابع شهرستان ارومیه) و سه محله از محلات شهر ارومیه جهت مطالعه انتخاب شدند. مهم‌ترین سؤالی که این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به آن بوده عبارت است از:

وضعیت سرمایه اجتماعی، در مناطق مرزی کشور از نظر میزان و اثرات آن، در محیط‌های روستایی نسبت به محیط‌های شهری چگونه است و این وضعیت تا چه حد می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های مرزی کشور مؤثر باشد؟

چارچوب مفهومی و نظری

با توجه به گستردگی حوزه سرمایه اجتماعی و همچنین روش‌شناسی خاص این تحقیق مبنی بر بررسی و ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی در محیط‌های شهری و روستایی، سابقه و مبانی نظری این تحقیق دارای تنوع زیادی در رابطه با موضوع مورد نظر بوده و در دو حوزه به ترتیب، مبانی نظری عام و مبانی نظری خاص (وضعیت سرمایه اجتماعی در سطح مراکز شهری و روستایی) آورده شده است. در پایان این بخش نیز يك جمع‌بندی کلی به

صورت ترکیبی از نتایج این دو حوزه ارائه شده است. سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که به‌طور روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ گرچه تصویری که از مفهوم آن وجود دارد، اغلب در حد ناچیزی است. سرمایه اجتماعی مفهومی قدیمی است، اما تنها اصطلاحی است که اخیراً به‌خوبی ابداع شده است (Bankston and Zhou, 2002; Lazega and Pattison, 2001). اصل وجودی سرمایه اجتماعی راه‌حلی برای مشکلات اجتماعی گوناگون مانند فقر، جرم و جنایت، اقتصاد عقب‌مانده و حکومت کم‌بازده به‌شمار می‌رود. (Boix and Posner, 1998). وجود سرمایه اجتماعی کلید استقرار جامعه مدنی و حیات شهروندی و فقدان آن مانع اساسی بر تأسیس و استقرار آن به‌شمار می‌رود. جوامع دارای این نوع سرمایه بستر مناسبی برای شکل‌گیری جامعه مدنی توانمند، پاسخ‌گو و کارآمد فراهم می‌سازند. اما در مقابل، تهی‌شدن یک جامعه از سرمایه اجتماعی به ناکارآمدی بسیاری از سیاست‌ها و طرح‌های پیشنهادی در حوزه برنامه‌ریزی منجر می‌شود. سرمایه اجتماعی در هر جامعه‌ای تابعی از موجودی فضیلت‌های اخلاقی آن جامعه است و با همه سطوح کلان (دولت و نهادهای حکومتی)، میانه (حکومت‌های محلی، سازمان‌ها و نهادهای مدنی)، و خرد (رفتار فردی) ارتباط دارد (حاجی‌پور، 1385). در طول 15 سال اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی مورد توجه زیاد پژوهشگران و سیاست‌گذاران جوامع مختلف قرار گرفته است نمودار (1). این مفهوم به چگونگی روابط مردم با یکدیگر و فواید این کنش‌ها و واکنش‌ها برای افراد و گروه‌ها اشاره دارد (Claridge, 2007; SCIG, 2000).



نمودار شماره 1. روند پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با سرمایه اجتماعی در طول پانزده سال اخیر (Halpern, 2001)

تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی به‌طور عملی و تجربی دارای نتایج مثبت در حوزه‌های مختلفی مانند سازگاری با تغییر اقلیم (e.g., Adger, 2003)، زندگی اجتماعی (e.g., Krishna, 2002)، دموکراسی و حکومت (Rothstein, 2001; Uslaner, 2000)، مدیریت بحران (Hurlbert et al., 2000; Murohy et al., 2005)، توسعه اقتصادی (e.g., Knack and Keefer, Krishna, 2002, 2008; Narayan and Pritchett, 2000; Szreter, 2000; Warren et al., 2001)، سلامتی (e.g., Kawachi and Berkman, 1999)، مدیریت منابع طبیعی (e.g., Ostrom, 2000)، آموزش و تعلیم (Field et al., 2000) و حوزه شغلی و سازمانی (Lin, 2001; Zhao, 2002) بوده است. علی‌رغم گستردگی موضوع سرمایه اجتماعی، هنوز بر سر یک تعریف واحد از سرمایه اجتماعی بین صاحب نظران اختلاف وجود دارد (Grootaert and van Bastelaer, 2002).
 ناک¹ و کیفر² براساس داده‌های نظرسنجی‌های ارزش‌های جهانی نشان می‌دهند که میان اعتماد، که یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی است با میزان رشد اقتصادی رابطه مثبتی وجود دارد (ناک و کیفر، 1997: 7). موریس در 1998 با توجه به داده‌های رسمی منتشرشده توسط دولت هند نشان می‌دهد که آن دسته از ایالت‌های هند که از سرمایه اجتماعی

¹ Stephen Knack

² .pilihp Keefer

بالتری برخوردارند در کاهش فقر موفقتر بوده‌اند (کریشنا، 2002: 5). در همین راستا و با نگاهی گذرا به جوامعی که از سطح بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردارند، ملاحظه می‌شود که مردم آن کشورها از ویژگی‌های زیر برخوردارند (بولن و اونیکس، 1999):

— افراد احساس می‌کنند که جزئی از جامعه هستند.
— آن‌ها احساس خواهند کرد که افراد سودمندی هستند و می‌توانند يك كمك واقعی به جامعه بنمایند.

— در شبکه‌های اجتماعات محلی و در سازمان‌ها مشارکت فعالانه ای خواهند داشت.

— در سیل‌ها و آتش‌سوزی‌ها (حوادث طبیعی) به‌خاطر منفعت عمومی و خیر مشترك به یکدیگر کمک خواهند کرد.

— بچه‌های دیگران را نیز به‌مانند بچه‌های خود می‌دانند و نسبت به آن‌ها احساس مسئولیت دارند.

— در خانه و محیط همسایگی احساس امنیت و اطمینان می‌کنند.

— غریبه‌ها را به‌خوبی در خود می‌پذیرند.

— هرکس هر کاری را انجام نمی‌دهد (چون ممکن است مضر به حال جامعه‌ای باشد که او در آن‌ها زندگی می‌کند) بلکه سعی می‌کند در برخی امور به دیگران کمک کند.

— شبکه‌های مبتنی بر روابط متقابل زیادی ایجاد خواهد شد.

— مردم نسبت به آنچه که هستند و دارند احساس ارزشمندی می‌کنند.

سرمایه اجتماعی را شاید بتوان در يك نگاه وسیع و در سطح کلان، مجموعه‌ای از فضیلت‌های اخلاقی و مناسبات اجتماعی همساز با تحولات توسعه‌ای دانست که هم تحت تأثیر عملکرد اقتصادی و هم تحت تأثیر عملکرد سیاسی و ساختار قدرت و حکمرانی متناسب با آن است و در عین‌حال بر این دو تأثیر می‌گذارد (دینی ترکمانی، 1385: 4).

همچنین در سطح يك منطقه فرایند توسعه تنها با تکیه بر منابع طبیعی مقدور نیست، بلکه یکی از موارد لازم و اساسی دیگر، سرمایه انسانی (یا سرمایه اجتماعی) است. سرمایه اجتماعی يك شهر و یا يك روستا بیان‌کننده بخشی از پتانسیل‌های انسانی آن شهر و روستا است و برای هرگونه برنامه‌ریزی به‌منظور توسعه، لازم است که سرمایه اجتماعی آن منطقه نیز مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد. مثلاً جین جیکوب¹ در اثر کلاسیک خود در سال 1961 با عنوان (مرگ و زندگی در شهرهای

¹ Jane Jacobs

بزرگ آمریکایی)، معتقد است که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند (سعادت، 1385). ساعی‌مهر نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز» به این نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی شبکه در مهاجرت نقش مهمی ایفا می‌کند که از اهداف تحقیقش این بود که مشخص شود سرمایه اجتماعی شبکه (روابط قبل از مهاجرت) تا چه حد در مهاجرت‌های داخلی مؤثر بوده است (ساعی‌مهر، 1383: 7). همچنین سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی و مدیریت شهرها از جایگاه مناسبی برخوردار است، به طوری که وضعیت مطلوب سرمایه اجتماعی رابطه مستقیم و مثبتی با توسعه مناطق شهری دارد. این موضوع در پژوهشی در همین راستا، در شهر تهران ثابت شده است (فیروزآبادی و جاجرمی، 1385: 15). به علاوه «پاراگال، گلیگان و هوک»، تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت مردم محله را در مدیریت جمع‌آوری ضایعات، در مناطق مختلف شهر داکای بنگلادش بررسی کرده‌اند (Grootaert & Bastelaer, 2002: 188). «بروکنر و لارجی¹ در سال 2008 در پژوهش خود با عنوان روابط اجتماعی و پراکندگی شهری به این نتیجه رسیده‌اند که زندگی با تراکم پایین، اول سرمایه اجتماعی و بعد روابط اجتماعی را کاهش می‌دهد (Brueckner and Largey, 2008). «همچنین در یک منطقه حومه‌نشین شهری حفظ محله در شرایط عالی، به میزان بالای سرمایه اجتماعی و احساس امنیت بالا در محله بستگی دارد» (Wood and al.et. 2007). «در این منطقه حومه نشین کاهش سرمایه اجتماعی عامل مهمی برای کاهش سرمایه انسانی است» (سوری و مهرگان، 1385: 1). «حتی سرمایه اجتماعی در یک کشور بر میزان مشارکت در انتخابات تأثیر زیادی داشته و می‌تواند آن را کم یا زیاد کند» (Yamamura, 2007). «سرمایه اجتماعی بر ساختار شبکه‌های تجاری یک شهر نیز می‌تواند تأثیرات زیادی را بگذارد» (Batt, 2008)، و «این تأثیرات متناسب با ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی، دارای تأثیرات متفاوت در کشورها و فرهنگ‌های مختلف می‌تواند باشد»

¹. Jan Brueckner & Ann Largey

(Ramstrom, 2008).

نیگوپرا معتقد است حتی ممکن نیست روند برنامه‌ریزی بهداشتی سلامتی را از برنامه‌ریزی شهری و پیشرفت در سرمایه اجتماعی جدا دانست و حس تعلق مکانی، هویت و دارایی را باید به عنوان هسته برنامه‌ریزی سلامتی به حساب آورد (Nogueira, 2008). در سطح مراکز روستایی نیز، پژوهش‌های متعدد در رابطه با توسعه این نقاط، نشان داده است که نهادهای اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورند و دستیابی به هدف‌هایی را که نبود آن‌ها غیرممکن و یا پرهزینه است، ممکن و تسهیل می‌کنند (کلمن، 1377، از قول فیروزجاهی و دیگران، 1385). «در پژوهشی دیگر که در سطح روستاهای استان فارس انجام گرفته، ثابت شده است که سرمایه اجتماعی بالا، به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی انجامیده است» (ماجدی و لهاسایی‌زاده، 1384). در یک محیط روستایی نقش مشارکت، اعتماد و در کل سرمایه اجتماعی تا به آن‌جاست که در نظام‌های بهره‌برداری عشیره‌ای، حس اعتماد در میان اعضای (خانواده)، هنجارهای معامله متقابل در بین اعضا و اعتماد، اطاعت و احترام رهبران محلی، نقش مثبت و تأثیرگذاری بر واحد تولیدی (خانواده) در ابعاد تصمیم‌گیری بهتر، اعمال مدیریت تولید به نحو مطلوب و افزایش میزان مشارکت‌های تولیدی داشته است (ازکیا و فیروزآبادی، 1383). چنان‌چه «سالی شورتال¹ نقش ظرفیت اجتماعی، تعهدات مدنی، مشارکت و سرمایه اجتماعی را در میزان موفقیت برنامه‌های توسعه روستایی خیلی مؤثر دانسته‌اند» (Shortall, 2008)، «که توسعه زمین مشترک و پتانسیل کنش جمعی در روستا را می‌توان نتیجه سرمایه اجتماعی در آن دانست» (Krishna & Uphoff, 2002).

فاطمه مرنیسی جامعه‌شناس مراکشی نیز با انجام مطالعه‌ای موردی بر روی روستای ایت ایکتل در مراکش و نیز بررسی برخی دیگر از روستاهای منطقه نشان می‌دهد که چگونه سرمایه اجتماعی موجود میان روستاییان باعث همکاری و تلاش مشترک آنان جهت راه‌اندازی شبکه‌های برق و آبرسانی و در کل بالارفتن سطح رفاه اجتماعی در این روستاها شده است (مرنیسی، به نقل از تاجبخش، 1384: 633 تا 652). کریشنا² و آپهاو³ (1999) نیز با مطالعه روستاهای مختلف هند به این

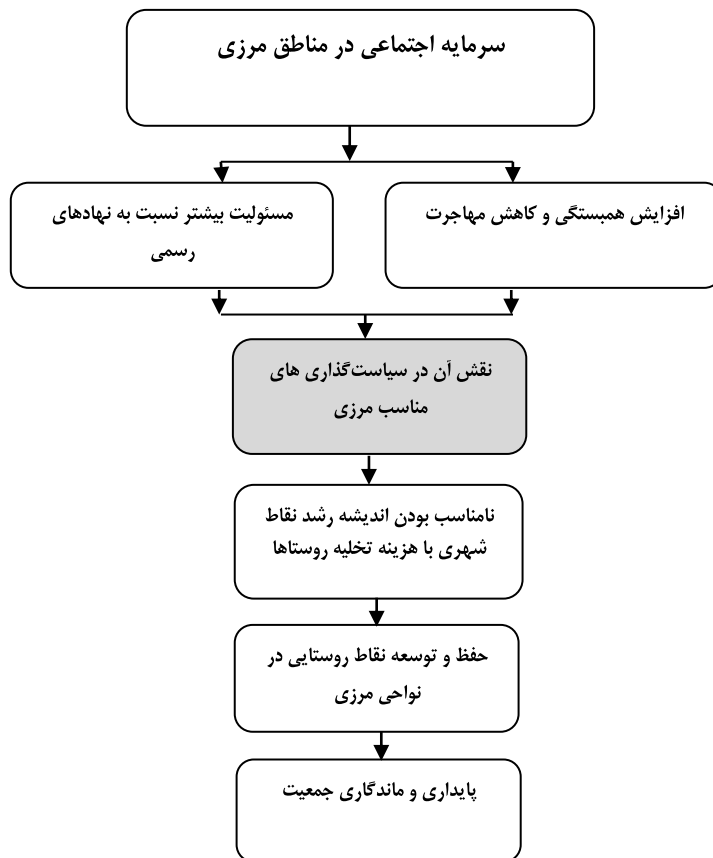
1. Sally Shortall

2. Anirudh Krishna

3. Uphoff

نتیجه می‌رسند که بین سرمایه اجتماعی و عملکرد توسعه ارتباط مثبتی وجود دارد. به‌عنوان آخرین بحث در این قسمت و در ارتباط با تفاوت‌های فضایی شهر و روستا از نظر میزان سرمایه اجتماعی به‌ویژه در مناطق مرزی یک کشور، می‌توان به مقاله توکلی و تاجبخش، تحت عنوان بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان اشاره کرد که با مطرح کردن فرضیه، «بین نقاط شهری و روستایی در سطح منطقه سیستان از نظر میزان سرمایه اجتماعی، تفاوت معناداری وجود دارد» به این نتیجه رسیده اند که اگر اندیشه رشد نقاط شهری در مناطق مرزی با هزینه تخلیه روستاها توأم باشد، که در آنها سرمایه اجتماعی بیشتر است، قطعاً این اندیشه نامناسب خواهد بود و با ضرورت‌های ژئوپولیتیکی منافات خواهد داشت (توکلی و تاجبخش، 1387: 75).

با نگاهی به تحقیقات صورت‌گرفته در ارتباط با مفهوم سرمایه اجتماعی (در محیط‌های شهری و روستایی)، می‌توان به تأثیرات مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی سرمایه اجتماعی بر این مکان‌ها و بالعکس تأثیر این عوامل در میزان سرمایه اجتماعی یک مکان اشاره کرد و به نقش مهم مفهوم سرمایه اجتماعی پی برد، به‌طوری که دینی ترکمانی در کار تحقیقی خود به این نتیجه رسیده که در یک جامعه، مفهوم سرمایه اجتماعی هم تحت تأثیر عملکرد اقتصادی و سیاسی آن قرار می‌گیرد و هم به‌نوبه خود این عوامل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطابق با همه موارد اشاره‌شده در رابطه با موضوع سرمایه اجتماعی، اساس مطالعات این تحقیق در دو بُعد مطرح می‌باشد، که در بُعد اول، مبتنی بر نظریه جین جیکوب مبنی بر نقش و مسئولیت بیشتر سرمایه اجتماعی در حفظ یک محیط و تصمیمات مربوط به بهبود کیفیت زندگی، در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس، نیروی انتظامی و... در سطح یک مکان و بالطبع نقش این عامل (سرمایه اجتماعی) در سیاست‌گذاری‌های مرزی کشور (با تأکید بر حفظ و صیانت از مرزها) است. منطبق بر همین سیاست و منطق، در بُعد دوم، موضوع نامناسب بودن اندیشه رشد نقاط شهری در مناطق مرزی با هزینه تخلیه روستاها و منافات آن با ضرورت‌های ژئوپولیتیکی مطرح شده است. در نتیجه مطابق با این اهداف، الگوی تحلیل تحقیق به‌صورت زیر در روند مطالعات پژوهش ساخته شد:



شکل شماره 1. الگوی تحلیل تحقیق در رابطه با نقش سرمایه اجتماعی در سیاست‌گذاری‌های مرزی کشور

بر اساس سؤال تحقیق و الگوی تحلیل ارائه‌شده، فرضیه تحقیق به صورت زیر مطرح می‌گردد:

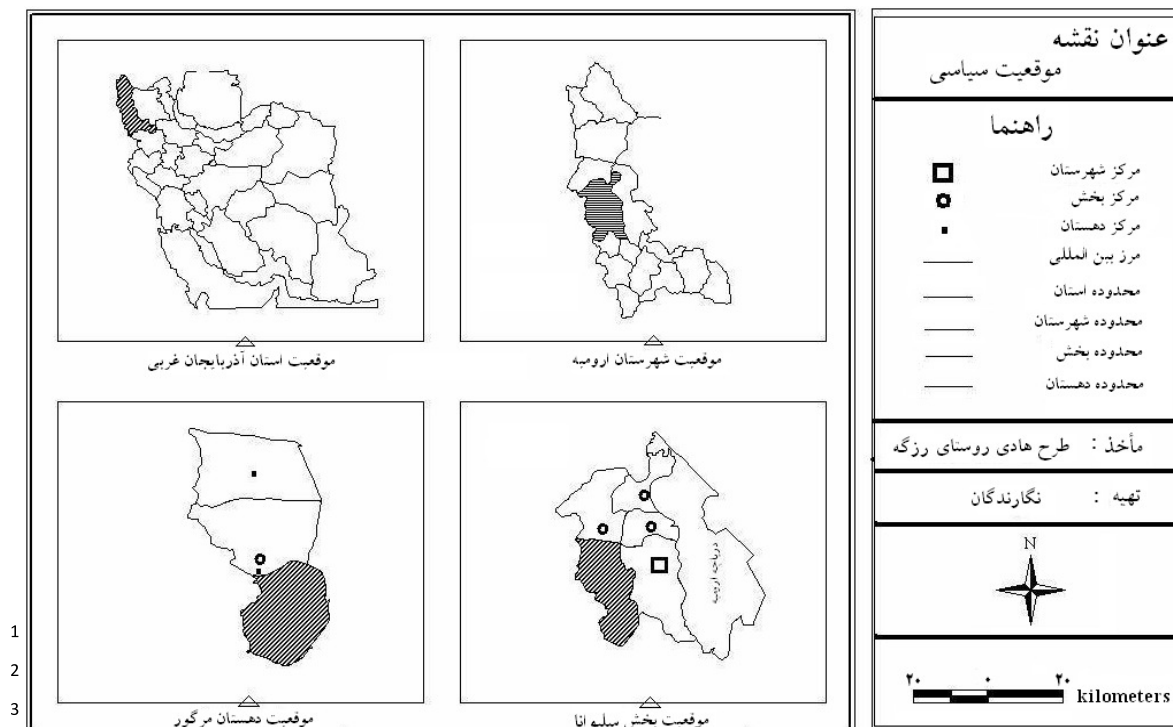
به‌نظر می‌رسد در مناطق مرزی کشور، از نظر میزان و اثرات سرمایه اجتماعی، بین محیط‌های روستایی و شهری تفاوت معناداری وجود دارد، و این امر می‌تواند در سیاست‌گذارهای مرزی کشور دارای نقش چشم‌گیری باشد.

روش تحقیق

شهر ارومیه مرکز شهرستان ارومیه و نیز مرکز استان آذربایجان غربی است که با جمعیتی معادل 580 هزار نفر در سرشماری سال 1385 (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، دایره آمار، 1387)، در فاصله 18 کیلومتری دریاچه ارومیه [یا اُرمیه]، در داخل جلگه‌ای به طول 70 و عرض 30 کیلومتر قرار گرفته است. براساس آخرین تقسیمات کشوری شهرستان ارومیه شامل 5 بخش، 20 دهستان، 691 آبادی، و 5 شهر

است. نام بخش‌های این شهرستان عبارتند از: انزل، سیلوانا، صومای برادوست، و نازلو. همچنین نام پنج شهر: ارومیه، نوشین‌شهر، قوشچی، سیلوانا و سرو می‌باشد که دهستان مورد مطالعه در بخش سیلوانای این شهرستان قرار گرفته است (نقشه شماره 1).

دهستان مرگور (به‌عنوان محدوده دیگر تحقیق) در غرب شهرستان ارومیه و در بخش سیلوانا واقع شده است که از طرف شرق به بخش مرکزی شهرستان ارومیه، از طرف غرب به مرز مشترک ایران با کشورهای ترکیه و عراق، از جنوب به دهستان دشتبیل از توابع بخش اشنویه و از شمال به دهستان دشت محدود می‌شود (نقشه شماره 1). مساحت این دهستان 400 / 442 کیلومتر مربع بوده و مرکز دهستان روستای زیوه است، فاصله زیوه تا مرکز شهرستان (ارومیه) 38 کیلومتر است. این دهستان 52 روستا را شامل می‌شود که پرجمعیت‌ترین روستای آن، روستای دیزج با 3440 نفر جمعیت می‌باشد (نقشه شماره 1) (سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان آذربایجان غربی، 1380). مراکز روستایی منتخب (گردیک¹، نوی² و برازان³) به ترتیب در مرکز، جنوب غرب و شمال شرقی دهستان واقع شده‌اند. همان‌طور که قبل از این هم ذکر شد مهم‌ترین دلیل انتخاب این مراکز، در مرحله اول، عامل مرزی‌بودن و در مرحله دوم فاکتور اقتصادی و تفاوت در سطح درآمد، بین مردم این سه مرکز روستایی بوده است.



نقشه شماره 1. موقعیت شماتیک محدوده مورد مطالعه (مقیاس فقط در سطح شهرستان سندیت دارد) (نگارندگان، 1387)

در این تحقیق تمام سعی بر این بوده که اولاً وضعیت توزیع جغرافیایی سرمایه اجتماعی در سطح یک شهر و در سطح نقاط روستایی یک دهستان، واقع در یکی از مناطق مرزی شمال غرب کشور بررسی شود، ثانیاً تفاوت بین نقاط شهری و روستایی در ارتباط با میزان سرمایه اجتماعی برآورد شود. جهت انجام این مطالعات، سه محله (دانشکده¹، ولیعصر² و اسلام آباد³)، به ترتیب محلات ثروتمند، متوسط و فقیر) از بین کل محلات شهر ارومیه انتخاب و به منظور بررسی این وضعیت در نقاط روستایی، سه نقطه روستایی (برازان، نوی و گردیک به ترتیب روستای ثروتمند، متوسط و فقیر) واقع در دهستان مرگور از توابع شهرستان ارومیه، مورد مطالعه قرار گرفته اند. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای، منابع الکترونیکی و بررسی‌های میدانی است، که در قالب استفاده از ابزار پرسشنامه در سطح محدوده بوده و تجزیه و تحلیل و ارائه نتایج با استفاده از نرم افزارهای آماری (SPSS) و سیستم اطلاعات جغرافیایی (ARC GIS) انجام گرفته است. در همین زمینه ابزار اصلی سنجش این پژوهش استفاده از پرسشنامه بوده است، که قالب اصلی و مهم‌ترین مرجع مورد استفاده جهت طراحی پرسشنامه و بالطبع شاخص‌های انتخابی جهت اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی، مطالعات اکتشافی تحقیق براساس پژوهش‌های مختلف انجام گرفته در این زمینه در فضاهای جغرافیایی و مکانی متفاوت توسط صاحب‌نظران گوناگون بوده است. (جدول و شکل 1) جهت درک میزان روایی پرسشنامه و میزان قابلیت آن در دستیابی به اهداف مورد نظر نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. در این روش چنانچه ضرایب به دست آمده بیشتر از 0/6 یا 0/7 باشد میزان روایی سؤالات در رسیدن به اهداف مورد نظر به اثبات می‌رسد (مهرعلی‌زاده و

1. Daneshkade

2. Valiasr

3. Eslamabad

چینی‌پرداز، :1384 91). در این تحقیق پس از بررسی آزمایش پرسشنامه در جهت روایی‌سنجی آن، ضریب به‌دست‌آمده عدد 0/75 را نشان داد که دلیلی بر اثبات میزان روایی بالای پرسشنامه است. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه افراد 15 سال به بالای شهر ارومیه و دهستان مرگور بوده‌اند. حجم نمونه تحقیق نیز به تعداد 180 نفر از بین افراد محلات شهری و مراکز روستایی نمونه، به روش کاملاً تصادفی انتخاب شده است. در راستای دستیابی به آمار و اطلاعات مورد نیاز، تعداد 180 پرسشنامه طرح گردید که از این تعداد، 90 پرسشنامه در شهر ارومیه (برای هر محله 30 پرسشنامه) و بقیه در سه نقطه روستایی ذکر شده (هرکدام 30 پرسشنامه) توزیع شد و پس از تجزیه و تحلیل اطلاعات، نتایج به صورت نمودار، نقشه و جداول مختلف ارائه گردید.

شاخص‌سازی سرمایه اجتماعی

یکی از دشواری‌های موجود بر سر راه سنجش «سرمایه اجتماعی»، فقدان روشی واحد جهت شاخص‌سازی مفهوم سرمایه اجتماعی است. اگرچه می‌توان گفت که بر روی «اعتماد» و «مشارکت» به‌عنوان شاخص‌های اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی اجماع وجود دارد، لیکن در تحقیقات مختلف شاخص‌های متعدد و متفاوتی به‌کار برده شده است که نشان‌دهنده شروع پژوهش‌های میدانی مرتبط با سرمایه اجتماعی است. در پژوهش حاضر برای رسیدن به شاخص‌هایی که متناسب با فرهنگ و ساختار اجتماعی جامعه ایرانی باشد، تحقیقات مختلفی که در دیگر کشورها صورت گرفته بود مرور گردید. از جمله تحقیقات مرور شده سنجش سرمایه اجتماعی در 5 منطقه استرالیا توسط بولن و اونیکس (1998)؛ پژوهش ریچارد رز در روسیه با عنوان سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی (1998)؛ شاخص‌های ارائه‌شده توسط نارایان و دیپا

جدول شماره 1. شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای سرمایه اجتماعی، معنای مفهومی آنها و مأخذ مورد استناد

جدول (1). شاخص‌های در نظر گرفته‌شده برای سرمایه اجتماعی، معنای مفهومی آنها و مأخذ مورد استناد

ردیف	شاخص‌ها و معنای مفهومی آن	منبع
1	اعتماد و قابلیت اعتماد اعتماد: میزان اعتماد فرد به آشنایان (اعضای خانواده، خویشاوندان، دوستان، همکاران و همسایگان) اعتماد به غریبه‌ها و سازمان‌های مختلف و نمایندگان حکومت (مدیران سازمان‌ها و نمایندگان مجلس).	بولن و اونیکس (1988)، کریشنا و شرور (2000)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایریت و دیگران (2005)
2	مشارکت اجتماعی	بولن و اونیکس (1988)، پیمایش بنچمارک

	انواع مشارکت که هم برای فرد رضایت می‌آورد و هم عامل شکل دهی به روابط و سازنده شبکه‌های حمایتی بالقوه است (مانند دیدار با دوستان و خویشاوندان، شرکت در مراسم شادی و ترحیم هم‌محلله‌ای‌ها، رفتن به سینما، پارک، کوه و غیره به صورت دسته‌جمعی).	
3	مشارکت مدنی فعالیت‌هایی که در ارتباط با فضای سیاسی، حکومتی، مدیریت باشگاه‌ها و انجمن‌ها، و نیز سازمان‌های غیردولتی بوده و معمولاً در قالب عضویت رسمی فرد در گروه‌های مختلف خود را نشان می‌دهد و تابع مقررات و سلسله مراتب است.	بولن و اونیکس (1998)، رز (1998)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایرت و دیگران (2005)
4	همیاری هنجار همیاری، احساس درونی افراد جهت کمک به دیگران و به اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند اشاره دارد و باعث ایجاد تعادل بین منافع فردی و منافع جمعی می‌شود (هنجار همیاری افراد را به سهیم شدن در حمایت کردن از سایر افراد جامعه ترغیب می‌کند).	کریشنا و شردر (2000)، پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
5	همکاری همکاری در محل جمعی مردم جهت دستیابی به نتیجه یا هدفی مشترک (از قبیل همکاری همسایه‌ها با یکدیگر جهت بهبود اوضاع محل، همکاری با مسئولین محلی و مشارکت داوطلبانه افراد در اجتماع).	کریشنا و شردر (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)، گروتایرت و دیگران (2005)
6	ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا) اشاره به این که افراد تا چه حد هنجارها، سبک‌های زندگی و عقایدی که متفاوت از آنچه که خود دارند را مورد پذیرش قرار داده و به آن احترام می‌گذارند.	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
7	احساس امنیت میزان احساس امنیت و آسودگی و آرامش مردم در خانه‌های خود و یا از قدم زدن در کوچه و خیابان‌های شهر در طول شبانه روز.	بولن و اونیکس (1998)، مرکز آمار استرالیا (2003)
8	حمایت اجتماعی (مالی و عاطفی) حمایت افراد از یکدیگر که به صورت مالی و عاطفی در زمان نیازمندی و یا به عنوان بخشی از حیات روزمره فراهم آمده باشد (نظیر پول قرض دادن، گوش کردن به درد دل افراد و...).	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
9	انسجام اجتماعی بهره‌مندی از احساس پذیرش از سوی دیگران و احساس راحتی در محیط همسایگی و اجتماع محلی و گروه‌هایی که افراد در آن‌ها مشارکت دارند.	کریشنا و شردر (2000)، گروتایرت و دیگران (2005)
10	احساس اثر گذاری و کارایی درک و تصور افراد و اجتماعات از میزان توانایی تأثیرگذاری آنان در فعالیت‌ها و روندهای موجود در جامعه.	پیمایش بنچمارک (2000)، مرکز آمار استرالیا (2003)
11	ارزش زندگی احساس رضایتمندی فرد از زندگی و با ارزش دانستن خود در جامعه و باور به این که جامعه نیز متقابلاً احترام لازم را به آن‌ها می‌گذارد.	بولن و اونیکس (1998)، مرکز آمار استرالیا (2003)
12	اطلاعات و آگاهی منابع آگاهی از موضوعات روزمره زندگی	بانک جهانی (گروتایرت ¹ ، نارایان ² ، نیهان ³ جونز ⁴ و وول کوک ⁴ 2003)

مأخذ: یافته‌های تحقیق

(1999)؛ سنجش سرمایه اجتماعی در دو جنبه ساختی و شناختی آن در کشورهای هند و پاناما توسط کریشنا و شردر (2000)؛

1- Grootaert

2- Narayan

3- Nyhan Jones

4- Woolcock

پیمایش سرمایه اجتماعی بنچمارک که در سطح ملی و بسیار گسترده به مدیریت رابرت پاتنام صورت گرفته (2000)؛ شاخص‌های ارائه شده توسط مرکز آمار استرالیا (2003)؛ گروتایرت و دیگران (2005) و....

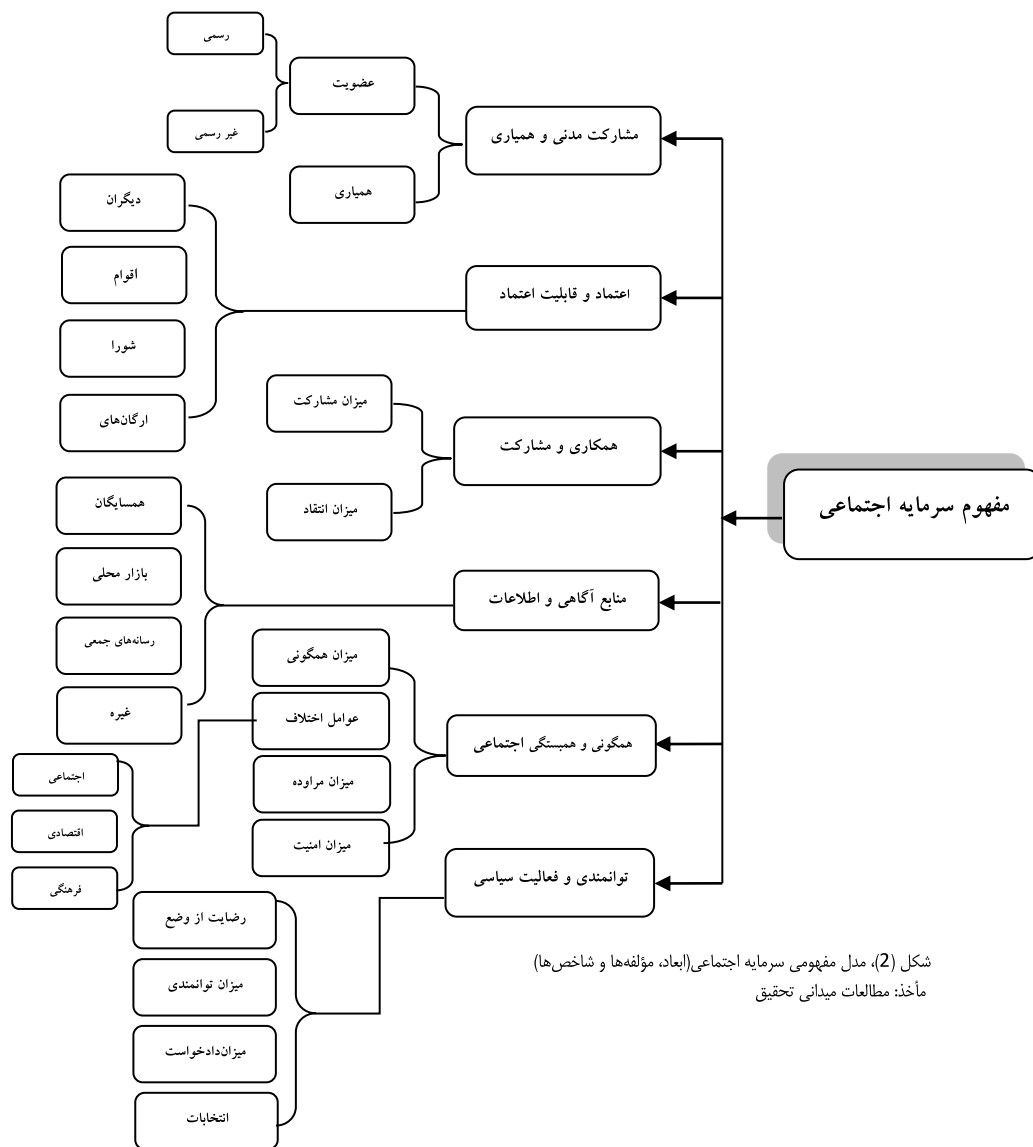
پس از مرور تحقیقات فوق و برخی پژوهش‌های نظری دیگر، در نهایت شاخص‌هایی از آن‌ها گزینش شد و سرمایه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. شاخص‌های نهایی به کار گرفته شده به قرار جدول (1) می‌باشند.

یافته‌ها

در ابتدا ذکر این نکته ضروری است که برای دستیابی کامل به اهداف مورد نظر، محتوای پرسشنامه توزیع شده، در دو بخش طراحی شد، بخش اول آن مربوط به ویژگی‌های فردی افراد پاسخ دهنده و بخش دوم شامل سؤالات مربوط به مفهوم سرمایه اجتماعی (در ابعاد مختلف) است تا از این طریق تأثیر عوامل مختلف در میزان سرمایه اجتماعی مراکز منتخب، مورد مطالعه قرار گیرد. در بخش مربوط به ویژگی‌های فردی افراد، 7 شاخص سن، جنس، میزان سواد، بُعد خانوار، میزان درآمد، شغل و سابقه سکونت انتخاب شدند. در این پژوهش و در بخش دوم پرسش نامه، جهت ارزیابی میزان سرمایه اجتماعی، به مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی پرداخته شد که این مفهوم در 6 بُعد، که هر یک از این ابعاد به زیرمؤلفه و هر یک از این مؤلفه‌ها نیز به زیرشاخص‌هایی تقسیم شدند. الگوی طراحی پرسشنامه نیز متأثر از این مفهوم‌سازی بوده است. در شکل شماره (1) نحوه ساخت مفهوم سرمایه اجتماعی نشان داده شده است.

ناگفته پیداست که سنجش دیدگاه‌ها و نگرش‌ها از امور کیفی هستند و ابزارهای ویژه‌ای را در چارچوب مقیاس‌های اسمی عددی برای اندازه‌گیری متغیرها طلب می‌کنند. محققان علوم اجتماعی و انسانی سعی نموده‌اند برای سنجش نگرش‌ها، تمایلات و آرزوها، اقدام به طراحی و ابداع ابزارهایی بنمایند که به‌عنوان طیف شهرت دارد (حافظنیا، 1382: 149 و 150). در این پژوهش نیز در راستای اندازه‌گیری و طبقه‌بندی متغیرهای کیفی پژوهش از طیف لیکرت استفاده شد و براساس آن گزینه‌های پنج گانه پاسخ‌های پرسشنامه براساس میزان اهمیت از 1 تا 5 درجه بندی شدند، عدد 1 نشانه عدم تمایل و عدد 5 نشانه تمایل کامل می‌باشد. البته ناگفته نماند که به منظور بیان صریح‌تر یافته‌های تحقیق، گزینه‌های پنج‌گانه طیف لیکرت در سه طیف زیاد، متوسط و کم دسته‌بندی و در ادامه در راستای آنالیز توصیفی نتایج پرسشنامه از الگوی این طیف استفاده شده است.

در شکل شماره 2 مفهوم سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخص‌های آن آمده است.



شکل (2)، مدل مفهومی سرمایه اجتماعی (ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها)
 مأخذ: مطالعات میدانی تحقیق

مأخذ: مطالعات میدانی تحقیق

شکل شماره 2. مدل مفهومی سرمایه اجتماعی (ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها)

مطابق با اطلاعات حاصل از بررسی‌های میدانی، از نظر جنسی در سطح مراکز روستایی 49/03 درصد پاسخ‌گویان مرد و 60/2 درصد آنان زن بوده‌اند که این درصدها در نقاط شهری به صورت 60/2 درصد مرد و 39/76 درصد زن بوده است.

از نظر سطح سواد نیز، تعداد افراد بی‌سواد با 51/1 درصد در سطح مراکز روستایی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و در این زمینه در محلات شهری افراد با مدرک دیپلم با میانگین 30/65 درصد بالاترین درصدها را در اختیار داشته‌اند. بحث میزان درآمد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های این قسمت مطرح بوده، که در بین نقاط روستایی بالاترین میزان با 53/3 درصد، مربوط به درآمدهای زیر 150 هزار تومان و در بین مناطق شهری با 31/2 درصد مربوط به درآمدهای بین 150-300 هزار تومان بوده است. از نظر شاخص وضعیت شغلی افراد پاسخ‌گو نیز مشاغل کشاورزی و آزاد به‌ترتیب با 48/4 و 23/83 درصد بیشترین بخش اقتصاد نقاط روستایی و در محلات شهری شغل آزاد با اختصاص 49/5 درصد، بیشترین مقدار را دربر گرفته است.

1. یافته‌های حاصل در رابطه با سرمایه اجتماعی، ابعاد و شاخص‌های آن

1-1. مشارکت مدنی و همیاری

در بُعد مربوط به مشارکت مدنی و همیاری، دو بحث میزان عضویت و تغییرات آن در گروه‌های رسمی و غیررسمی و همچنین کمک به یکدیگر در مواقع ضروری مطرح می‌باشد که در ارتباط با مؤلفه عضویت، درصدهای به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های توزیع شده حاکی از آن است که در کل میزان عضویت در گروه‌های مختلف، در مراکز روستایی نسبت به محلات شهری مورد مطالعه بیشتر بوده و این عضویت در مراکز روستایی بیشتر به صورت غیررسمی و در محلات شهری بیشتر به صورت رسمی بوده است. از نظر میزان تغییرات عضویت نسبت به سنوات گذشته، اکثر افراد در روستاها معتقد بودند که این وضعیت فرقی نکرده است. در صورتی‌که در محلات شهری وضع حالت عکس داشته است (کمتر شده). اگر نگاهی به درصدهای مربوط به مؤلفه کمک در مواقع ضروری داشته باشیم، می‌بینیم که در مراکز روستایی و محلات با درآمد بالاتر میزان کمک‌های مالی در مواقع بحرانی زیادتر از مراکز دیگر بوده است. این وضعیت از مراکز با درآمد بالاتر به سمت مراکز با درآمد پایین‌تر دارای روند کاهشی بوده است.

1-2. اعتماد و قابلیت اعتماد

بحث میزان اعتماد به افراد، گروه‌ها و سازمان‌های مختلف در بین مراکز مورد مطالعه، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پارامترهای این تحقیق مطرح بوده است. در این بُعد از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به زیادبودن شاخص‌های ارائه شده، سعی شد که تنها به چند شاخص توجه و اکتفا شود. در زمینه میزان اعتماد به افراد محل، در سطح

مراکز روستایی بیش از 76 درصد پاسخ‌ها زیاد، 17/33 درصد متوسط و 6/66 درصد کم عنوان شده‌اند. بنابراین نتایج حاکی از اعتماد بالا به افراد در مراکز روستایی است. در سطح شهر ارومیه [یا اُرمیه] نیز بیش از 50 درصد پاسخ‌های افراد در طیف زیاد، 29 درصد در طیف متوسط و 18/66 درصد نیز در طیف کم بیان شده‌اند. در این بُعد دومین شاخص مورد توجه، میزان تمایل به ایجاد روابط با گروه‌های مختلف بود که در مراکز روستایی منتخب، بیش از 60 درصد پاسخ‌دهندگان خواهان ارتباط با همه افراد محل بودند، به عبارتی برای آن‌ها فرقی بین دوستان، اقوام و دیگران وجود نداشت. سایر افراد این مراکز در اولویت بعدی، خواهان ارتباط بیشتر با اقوام و بستگان بوده‌اند. در سطح محلات شهر ارومیه تمایل به برقراری ارتباط بیشتر به سمت اقوام و بستگان بوده است و نسبت به مراکز روستایی، این درصدها دارای پراکندگی بیشتری بوده‌اند. وضعیت تغییر اعتماد نسبت به 5 سال گذشته به‌عنوان شاخص بعدی، در بین مراکز روستایی بیشتر به سمت بهتر شدن یا عدم تفاوت اوضاع پیش‌رفته است. این در حالی است که در سطح محلات شهر ارومیه از نظر افراد، اوضاع بیشتر به سمت بدتر شدن و تا حدودی عدم تفاوت، پیش‌رفته است. آخرین شاخص انتخابی در این بُعد از مفهوم سرمایه اجتماعی، بحث میزان اعتماد به شوراها (به‌عنوان نهاد مردمی) و سایر سازمان‌های دولتی بوده است. در مراکز روستایی مورد مطالعه در هر دو مورد (اعتماد به شوراها و ارگان‌های دولتی) بیشتر نظرات در طیف زیاد قرار گرفته، برعکس آن در سطح محلات شهری، این پاسخ‌ها بیشتر در طیف کم واقع شده‌اند، که نشان از رضایت کم شهروندان ارومیه‌ای از عملکرد شورای شهر به‌ویژه ارگان‌های دولتی بوده است.

3-1. فعالیت جمعی و مشارکت

در بُعد فعالیت جمعی و همکاری در مفهوم سرمایه اجتماعی، دو شاخص میزان همکاری و میزان انتقاد از افراد در مراکز در صورت همکاری‌نکردن، مورد تشریح قرار گرفته است. در ارتباط با شاخص میزان همکاری و مشارکت، در بین مراکز روستایی 65/66 درصد نظرات در طیف زیاد، 18 درصد در طیف متوسط و 16/33 درصد در طیف کم قرار گرفته‌اند. در همین زمینه در محلات شهری 58/33 درصد پاسخ‌ها در طیف زیاد، 11/66 درصد در طیف متوسط و 30 درصد پاسخ‌ها در طیف کم بیان شده‌اند. در بحث میزان انتقاد از افراد به‌خاطر عدم مشارکت در

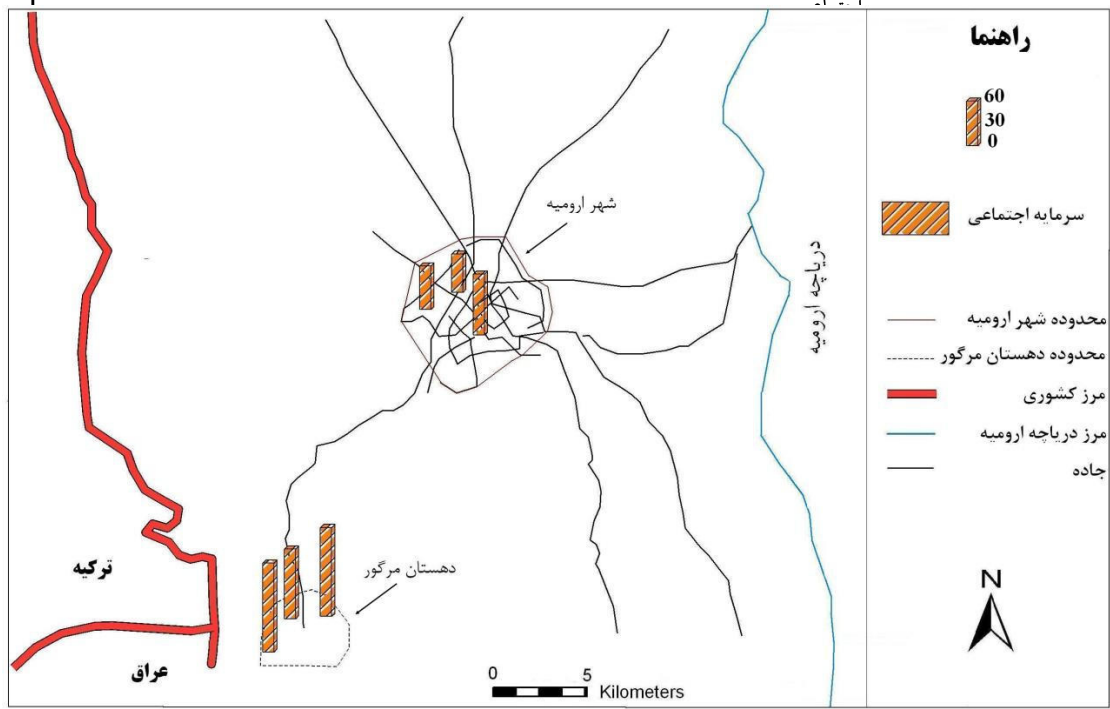
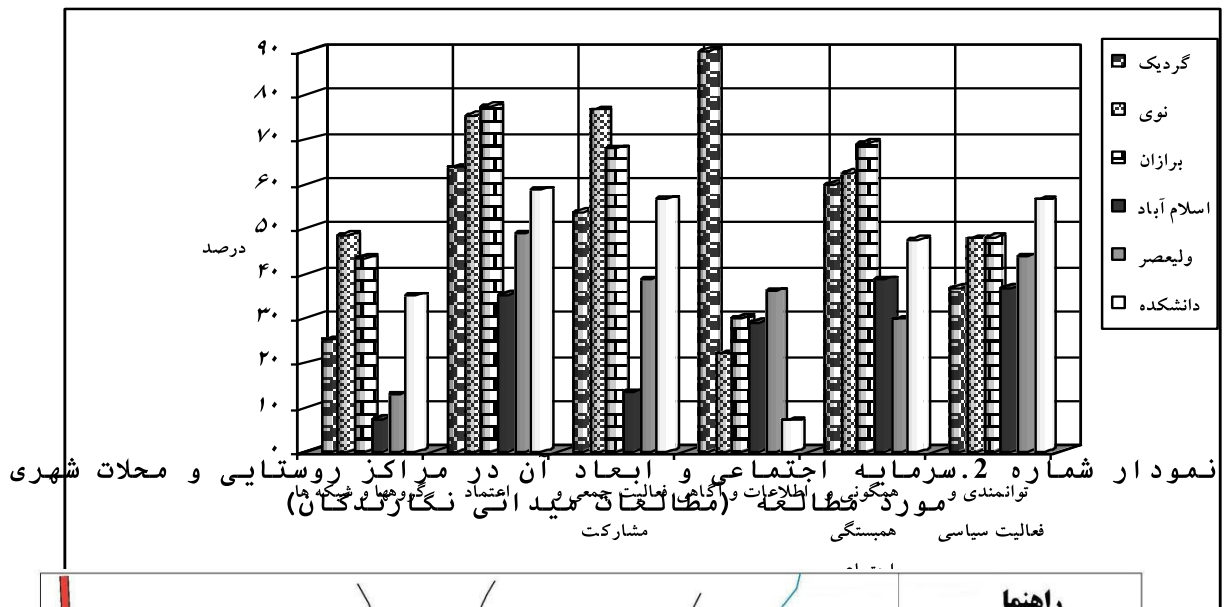
فعالیت‌های دسته‌جمعی در مراکز مورد مطالعه، در نقاط روستایی 53/33 درصد اظهارات در طیف زیاد، 20/66 درصد در طیف متوسط و 26 درصد آن‌ها در طیف کم عنوان شده‌اند. این وضعیت در منطقه شهری به صورت 8/33 درصد در طیف زیاد، 20/33 درصد در طیف متوسط و 71/33 درصد در طیف کم بوده است.

1-4. همگونی و همبستگی اجتماعی

موضوع همگونی و همبستگی اجتماعی به‌عنوان یکی از پارامترهای مهم دیگر سرمایه اجتماعی، بحث دیگر این پژوهش بوده که به چهار مؤلفه میزان همگونی، میزان مراودات، میزان امنیت و عوامل اصلی اختلاف در مراکز، تقسیم شده است. جهت رعایت اصل اختصار، در این تحقیق فقط مؤلفه میزان مراودات توصیف شده است. در این زمینه، اکثر روستاییان اظهار داشته‌اند که با همسایگان خود مراوده و رفت و آمد زیادی دارند به‌طوری‌که بیشتر درصدهای مربوط به این مراکز در طیف زیاد (63/66 درصد) و در مرحله بعد در طیف متوسط (26/66) قرار گرفته‌اند، در نتیجه می‌توان میزان مراودات با همسایگان در سطح روستاهای منتخب را عالی توصیف کرد. در صورتی‌که در سطح محلات شهری منتخب 39 درصد نظرات در طیف زیاد، 12/33 درصد در طیف متوسط و 48/66 درصد در طیف کم بوده‌اند.

1-5. توانمندی و فعالیت سیاسی

در زمینه میزان توانمندی و فعالیت سیاسی، چهار شاخص میزان رضایت از زندگی، میزان احساس توانمندی، میزان حضور در انتخابات و میزان دادخواست مطرح شده است، که در اینجا فقط دو مؤلفه تشریح شده‌اند. میزان احساس توانمندی افراد همواره یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی می‌باشد که در نقاط روستایی منتخب 43/32 درصد پاسخ‌ها در طیف زیاد، 26/66 درصد در طیف متوسط و 27/32 درصد در طیف کم بیان شده‌اند، که احساس توانمندی نسبتاً بالا در این مراکز را می‌رساند. میزان احساس توانمندی در بین محلات شهری دارای وضع متفاوت تری است، به گونه‌ای که بیش از 40 درصد پاسخ‌ها در طیف زیاد، 32 درصد نظرات در طیف متوسط و 29/33 درصد در طیف کم عنوان شده‌اند. آخرین شاخص انتخاب شده در این قسمت، میزان شرکت در انتخابات گذشته بوده که بیش از 80 درصد افراد ساکن، هم در مراکز روستایی و هم در محلات شهری ادعا کرده‌اند که در انتخابات گذشته حضور گسترده داشته‌اند. در نمودار شماره (1) و نقشه شماره (2) وضعیت سرمایه اجتماعی (در ابعاد مختلف آن) در بین مناطق مورد مطالعه آورده شده است.



از جمله شاخص‌های مهم سرمایه اجتماعی، اعتماد، میزان احساس توانمندی، میزان کمک و یاری، میزان همکاری، میزان رضایت از زندگی، میزان مراوده و میزان امنیت می‌باشند که در این جا دارای رابطه معناداری با هم بوده‌اند.

بین دو متغیر میزان احساس توانمندی و میزان کمک در مواقع ضروری (فوت سرپرست، ورشکستگی در شغل و ...)، همبستگی در روستای برازان در سطح 0/01 درصد و با احتمال اثبات این رابطه در حد 99% و در روستای نوی و محله دانشکده در سطح 0/05 درصد و با احتمال معنی‌دار بودن این رابطه در حد 95% به دست آمد. می‌توان گفت با افزایش میزان احساس توانمندی افراد، میزان کمک به هم‌محلی‌ها در مواقع ضروری افزایش می‌یابد.

بین دو شاخص میزان اعتماد به افراد طایفه و میزان اعتماد به افراد محل، به‌جز روستای گردیک و محله ولیعصر، در همه مراکز دیگر رابطه قوی در سطح 0/01 درصد و با احتمال وجود این رابطه در حد 95% (به غیر از روستای نوی با احتمال وجود رابطه در سطح 99%) به دست آمد. مطابق این داده‌ها می‌توان گفت که با افزایش میزان اعتماد به افراد طایفه، میزان اعتماد به افراد محل به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است. در همین راستا بین میزان اعتماد به افراد طایفه و میزان اعتماد سراسری نیز به‌جز روستای گردیک و محله ولیعصر، در سایر مراکز مورد مطالعه رابطه معنادار قوی در سطح 0/01 درصد به دست آمد، که در محله اسلام‌آباد این رابطه در حد 95% و در سایر نقاط جمعیتی در حد 99% قابل اثبات می‌باشد. این نتایج خود نشانگر اهمیت شاخص میزان اعتماد به افراد طایفه است. در ارتباط با دو شاخص میزان اعتماد به افراد محل و میزان اعتماد سراسری، سطح معناداری در روستای برازان و محله دانشکده به صورت 0/05 درصد و در روستای نوی به صورت 0/01 درصد به دست آمده و در همه این نقاط جمعیتی احتمال وجود این رابطه معنادار در سطح 95% درصد قابل تبیین است، یعنی هرچه میزان اعتماد به افراد محل بیشتر شده به همان اندازه میزان اعتماد سراسری نیز افزایش یافته است.

بین دو شاخص میزان اعتماد به افراد محلی و میزان همکاری نیز، در دو روستای برازان و گردیک در سطح 0/05 درصد و در محله اسلام‌آباد در سطح 0/01 درصد همبستگی وجود داشته، که در بین مراکز روستایی مطابق با نتایج حاصل شده در حد 95% و در محله اسلام‌آباد در حد 99% این رابطه قابل اثبات می‌باشد. این رابطه حاکی از نقش مهم میزان اعتماد به افراد محل در بالابردن میزان همکاری در کارهای دسته‌جمعی مراکز مورد مطالعه است.

دو متغیر میزان اعتماد به افراد طایفه و میزان رضایت از زندگی نیز فقط در سطح محلات شهری دارای رابطه معنادار بوده

اند، به گونه‌ای که میزان همبستگی بین این شاخص‌ها به صورت 0/05 درصد و با احتمال وجود این رابطه در سطح 95% به دست آمد و نشان از افزایش میزان رضایت از زندگی در نتیجه افزایش میزان اعتماد به افراد طایفه است.

به‌عنوان آخرین نکات، می‌توان به همبستگی بین میزان افزایش اعتماد به افراد محل با میزان افزایش مراوده با همسایگان، یا رابطه افزایش درآمد با افزایش میزان ترس از ضربه به منافع شخصی و به‌عنوان آخرین نکته به رابطه افزایش مراوده با افزایش میزان همکاری در کارهای دسته‌جمعی، افزایش میزان امنیت و افزایش میزان احساس رضایت از زندگی اشاره کرد. در يك جمع‌بندی کلی از این بخش، می‌توان به بالابودن میزان سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف آن در سطح مراکز روستایی نسبت به مراکز شهری مورد مطالعه اشاره کرد، امری که می‌تواند از زوایای مختلف مورد توجه قرار گرفته و به‌عنوان يك پتانسیل (در ابعاد جامعه‌شناسی و سیاسی آن) در سطح محدوده مورد مطالعه مطرح باشد.

نتیجه‌گیری و راهکارها

منطقه شمال غرب کشور (به‌ویژه شهرستان ارومیه) به دلیل موقعیت مکانی خاص خود، همواره نقش و جایگاه مهمی در تبادلات مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور با ممالک همجوار علی‌الخصوص کشورهای اروپایی داشته است. به علاوه این منطقه در شکوفایی و رشد مدنیت در سطح کشور از جایگاه ممتازی برخوردار است. این ناحیه به لحاظ جغرافیایی نیز دارای ویژگی‌های خاصی همانند مرزی بودن، وابستگی عرصه زیست و فعالیت‌ها به کشاورزی، دور بودن از مرکز، ضعف زیرساخت‌ها و بسیاری دیگر از موارد قابل بحث و بررسی می‌باشد. همین عامل مرزی بودن ناحیه، از اهمیت ویژه‌ای در نظام سیاسی کشور برخوردار بوده است، به گونه‌ای که این ناحیه در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود با حوادث و رویدادهای مختلفی مواجه شده و وقایع زیادی را پشت سر گذاشته است. در نتیجه حفظ و حراست از این منطقه مرزی همانند سایر نقاط مرزی دارای پشتوانه منطقی و عقلانی کافی است. در عین حال اساس امنیت و پایداری در این منطقه بر توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی استوار است. در همین زمینه، از مهم‌ترین جوامع انسانی که در طول تاریخ در سطح کشور و منطقه، نقش مهمی در حفظ و صیانت از مرزها داشته‌اند (همچنان که تاریخ هم گواه بر آنست)، عشایر و مراکز روستایی ساکن در این نقاط بوده‌اند و همواره به‌عنوان مؤثرترین عامل در این زمینه ایفای

نقش کرده‌اند. در نتیجه توجه به جایگاه و نقش این نقاط جمعیتی در سیاست‌گذاری‌های مرزی می‌تواند دارای اهمیت زیادی باشد. چنانچه پیشاپیش هم ذکر آن رفت در این تحقیق موضوع سرمایه اجتماعی بالا در سطح مراکز روستایی و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های مرزی کشور، به‌عنوان اصلی‌ترین هدف این تحقیق مطرح شده است.

براساس اندازه‌گیری‌های صورت گرفته در سطح منطقه، میزان سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف آن در بین مراکز روستایی بیشتر از نقاط شهری است. در همین زمینه و از بین مؤلفه‌های مختلف سرمایه اجتماعی، دو مؤلفه اعتماد و میزان همکاری و مشارکت در امورات مختلف زندگی، دارای درصد بالایی در سطح مراکز روستایی مورد مطالعه بوده‌اند. به‌ویژه می‌توان به موضوع میزان اعتماد به سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی در بین روستاها اشاره کرد که واقعاً در سطح بالایی بوده است. همچنین با افزایش میزان سرمایه اجتماعی میزان تمایل به مهاجرت نیز در سطح مراکز روستایی کاهش پیدا کرده است (برخلاف مراکز شهری که این تمایل در سطح بالایی بوده است)، که این امر در پایداری جمعیت و کاهش مهاجرت روستایی تأثیر فزاینده‌ای داشته و تبعات آن می‌تواند به صورت توزیع فضایی مکانی مناسب جمعیتی در سطح منطقه مورد مطالعه ظاهر شود. همچنین در سطح مراکز روستایی هنوز هم روابط و مراودات رو در رو به‌عنوان مهم‌ترین منبع آگاهی از موضوعات روزمره زندگی محسوب می‌شوند، در صورتی‌که در محلات شهری رسانه‌های جمعی جایی برای این‌گونه مراودات نگذاشته‌اند که خود این امر در میزان افزایش یا کاهش همبستگی اجتماعی و بالطبع میزان سرمایه اجتماعی تأثیرات زیادی داشته است.

از نظر وضعیت توزیع جغرافیایی میزان سرمایه اجتماعی، می‌توان به توزیع هماهنگ‌تر میزان سرمایه اجتماعی در سطح مراکز روستایی نسبت به محلات شهری اشاره کرد. به عبارتی تفاوت بین محلات شهری در این زمینه خیلی بیشتر بوده است. به‌علاوه نوع سرمایه اجتماعی در محیط‌های روستایی تماماً به صورت سنتی و غیررسمی است و میزان سرمایه اجتماعی در ابعاد مدرن و رسمی آن در این مراکز خیلی پایین است، در حالی‌که محلات شهری در هر دو نوع از مفهوم سرمایه اجتماعی ضعیف هستند، به غیر از محله دانشکده که تا حدودی به سمت جنبه مدرن و رسمی سرمایه اجتماعی پیش رفته است. همچنین وضعیت اقتصادی و درآمدی مراکز سکونتی در میزان افزایش یا کاهش سطح سرمایه اجتماعی آن‌ها تأثیر زیادی دارد، چنانچه این

امر در این پژوهش ثابت شد.

از نکات دیگر می‌توان به نقش مؤثرتر شوراهای مراکز روستایی نسبت به محلات شهری، در برقراری ارتباط بین شبکه های عمودی و افقی جامعه اشاره کرد. به‌عنوان آخرین نکته و مطابق با یافته‌های تحقیق، باید به اوضاع نامناسب اقتصادی در سطح مراکز روستایی مورد مطالعه اشاره کرد که نیازمند به توجهی خاص در این زمینه می‌باشد.

مطابق با یافته‌های این تحقیق در مرحله اول و با توجه به نظریه جین جیکوب مبنی بر نقش و مسئولیت بیشتر سرمایه اجتماعی نسبت به نهادهای رسمی (مانند نیروهای حفاظتی و انتظامی) در حفظ یک مکان و بالابردن کیفیت زندگی در آن، می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی بالا در سطح مراکز روستایی مورد مطالعه اشاره کرد که می‌تواند به‌عنوان یک ابزار بالقوه در روند سیاست‌گذاری‌های مرزی کشور (با تأکید بر حفظ و صیانت از مرزها) خیلی مؤثر افتاده و در این رابطه نقش قاطع داشته باشد. ثانیاً با توجه به بالابودن میزان سرمایه اجتماعی در سطح مراکز روستایی نسبت به مراکز شهری (مطابق با یافته‌های تحقیق)، اندیشه رشد نقاط شهری با هزینه تخلیه روستاها در نواحی مرزی کشور چندان نمی‌تواند ایده منطقی بوده و این اندیشه با ضرورت‌های ژئوپولیتیکی در سطح منطقه منافات خواهد داشت و در بُعد آخر می‌توان به نقش مهم همبستگی‌ها و سرمایه اجتماعی بالا در بین نقاط روستایی در پایداری جمعیت و کاهش مهاجرت و در نتیجه پیامدهای توزیع فضایی مکانی مناسب جمعیتی آن اشاره کرد، که این امر نیز همواره دارای تأثیرات مثبتی بر نقاط شهری واقع در سطح منطقه خواهد بود. مطابق این نتایج می‌توان به پیشنهادهای زیر رسید:

— تخصیص نقش بیشتر به نهادهای اجتماعی و مردمی در مناطق مرزی به‌ویژه مراکز روستایی.

— استفاده از وجود سرمایه اجتماعی بالا در مناطق روستایی مورد مطالعه به‌عنوان یک اهرم بالقوه، در راستای برنامه ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده مدیریت و توسعه روستایی.

— با توجه به بالابودن میزان همکاری و مشارکت در بین مراکز روستایی، استفاده از این فاکتور در جهت ایجاد تعاونی‌ها و فعالیتهای اشتراکی مختلف، به‌عنوان یک اهرم توسعه در سطح منطقه.

— اهمیت سرمایه اجتماعی به‌عنوان یک عامل مهم در ایجاد همبستگی‌های مختلف و بالطبع جلوگیری از دسیسه‌های خارجی.

— نقش سرمایه اجتماعی بالا در بین مناطق روستایی، در ایجاد همبستگی و انسجام زیاد بین روستاییان و در نتیجه پایداری جمعیت منطقه و کاهش مهاجرت‌ها، که منجر به پراکنش فضایی مکانی بهینه جمعیت در سطح ناحیه خواهد شد.

— ایجاد و توسعه زیرساخت‌های اجتماعی اقتصادی به‌ویژه فراهم‌نمودن شغل و درآمد در سطح روستاهای مرزی با تأکید خاص بر مراکز روستایی مورد مطالعه.

— ایجاد اهتمام ویژه به رشد و توسعه سرمایه اجتماعی در مناطق روستایی مرزی.

— با توجه به میزان اعتماد بالا به ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی در بین روستاهای مورد مطالعه، بسترسازی نگاهی ویژه به منطقه جهت حفظ این اعتماد و بالطبع مزیت‌های مؤثر سیاسی این امر برای دولت.

— بحث وجود مسائل خاص سیاسی در منطقه در سنوات اخیر و نقش مهم سرمایه اجتماعی در ایجاد همبستگی‌های مختلف بین خود اهالی و بین اهالی و سازمان‌های دولتی در سطح مراکز روستایی و در نتیجه پیامدهای مثبت ژئوپلیتیکی آن.

— نادیده‌نگرفتن روستاییان در نظام برنامه‌ریزی با توجه به این‌که مرزدارانی کم‌توقع و کم‌هزینه هستند.

— حفظ و توسعه مراکز روستایی در مناطق مرزی (با توجه به بالابودن سرمایه اجتماعی در این مراکز)، با انگیزه نگهداری و صیانت از مرزها با تأکید ویژه بر منطقه مورد مطالعه.

منابع

احمدی‌فیروزجاهی، علی؛ حسن صدیقی و محمدعلی محمدی (1385)، «مقایسه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی کشاورزان عضو و غیر عضو تعاونی‌های تولید روستایی»، *رفاه اجتماعی*، 6 (23): 93_111.

ازکیا، مصطفی و سیداحمد فیروزآبادی (1383)، «سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی (مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، 5 (4): 49_79.

باستانی، سوسن و مریم صالحی‌هیکویی (1386)، «سرمایه اجتماعی شبکه و جنسیت: بررسی ویژگی‌های ساختی، تعاملی و کارکردی شبکه اجتماعی زنان و مردان در تهران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره 30.

تاجبخش، کیان (1384)، *سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه*، چاپ اول، تهران: انتشارات شیرازه.

تاجبخش، کیان؛ مراد ثقفی و مسعود کوهستانی‌نژاد (1382)، «سرمایه اجتماعی و سیاست‌های اجتماعی (بررسی وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران امروز)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره 10

(ویژه‌نامه سیاست اجتماعی).

تشکر، زهرا و محمدرضا معینی (1381)، «نگاهی به سرمایه اجتماعی و توسعه»، *فصلنامه علمی پژوهشی، رفاه اجتماعی*، سال اول، شماره 4.

توکلی، مرتضی و کاظم تاجبخش (1387)، «بررسی و تحلیل میزان سرمایه اجتماعی در مناطق شهری و روستایی مرزی سیستان»، *فصلنامه روستا و توسعه*، سال 11، شماره 2، صفحات 75-94.

حافظنیا، محمدرضا (1382)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: انتشارات سمت، 149-150.

دینی‌ترکمانی، علی (1385)، «تبیین افول سرمایه اجتماعی»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.

روشنفکر، پیام و محمدسعید ذکایی (1385)، «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.

ساعی‌مهر، منیره (1383)، *بررسی سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و مهاجرت و استقرار در شهرهای بزرگ: مورد شهر تبریز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی (دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی).

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، (1387)، *گزیده نتایج سرشماری سال 1385*، دایره آمار.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان غربی، (1380)، *خلاصه گزارش تقسیمات شهرستان ارومیه به تفکیک بخش و دهستان*.

سعادت، رحمان (1385)، «تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان‌ها»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.

سوری، علی و نادر مهرگان (1385)، «نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی»، *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره 42، بهار 1386، ص 207 تا 219.

فیروزآبادی، سیداحمد و حسین ایمانی‌جاگرمی (1385)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی اجتماعی درکلان‌شهر تهران»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره 23.

Adger, W. Neil, (2003), "Social capital, collective action, and adaptation to climate change", *Economic Geography* 79 (4), 387-404.

Australian Bureau of Statistics, (2003), ABS draft social capital Indicators for Discussion at workshop.

Bankston, Carl L. & Zhou, Min (2002), "Social capital as a process: the meanings

and problems of a theoretical metaphor", *Sociological Inquiry*, 72: 285-317.

Batt, P, (2008), "Building social capital in networks", *Elsevier Industrial Marketing management* 37, 487-491.

Boix, Carles & Posner, Daniel N. (1998), "Social capital: explaining its origins and effects on government performance", *British Journal of Political Science*, 28: 686-694.

Brueckner, Jan & Largey, A. (2008), "Social interaction and urban sprawl", *Elsevier Journal of Urban economics* 64, 18-34.

Bullen, Paul & Onyx, (1998), "Measuring social capital in five communities in NSW, Neighbourhood and community centers", See Its summary in: *Journal of Applied Behavior*, vol. 27, No. 1, March 2000, pp. 23-24.

Claridge, Tristan. N.d. (2007), "Social capital", Retrieved October 14, (Available from: <http://www.gnudung.com/intro.html>).

Coleman, James, (1988), "Social capital in the creation of human capital", *American Journal of Sociology* 94 (Supplement), 95-120.

Field, John, Schuller, Tom, Baron, Stephen, (2000), "Social capital and human capital revisited", In: Baron, S., Field, J., Schuller, T. (Eds.), *Social Capital: Critical Perspectives*, Oxford University Press, New York, pp. 243-263.

Grootaert, Ch, Narayan, D, Nyhan Jones, V & Woolcock, M. (2003), "Measuring Social Capital", The World Bank, Washington, D.C.

Grootaert, C. & Bastelaer, T. (2002), *The Role of Social Capital in Development*, Cambridge University, Press.

Grootaert, Christian, van Bastelaer, Thierry, (2002), "Social capital: From definition to measurement", In: Grootaert, C., van Bastelaer, T. (Eds.), *Understanding and Measuring Social Capital*, The World Bank, Washington, DC, pp. 1-16.

Grootaert, C., Narayan, D., Jones, V.N and woolcock. M. (2005), "Measuring social capital An integrated Questionnaire", world Bank working paper No. 18.

Halpern, M, Khan, Z & Rentz, A. (2001), "The interaction of depression and smoking on workplace productivity", *Research in Human Capital and Development*, volume 14, 377-387.

Hurlbert, Jeanne, Haines, Valerie, Beggs, John, (2000), "Core networks and tie activation: What kind of routine networks allocate resources in nonroutine situations?" *American Sociological Review* 65 (4), 598-618.

Kawachi, Ichiro, Berkman, Lisa, (1999), "Social cohesion, social capital and health", In: Berkman, L., Kawachi, I. (Eds.), *Social Epidemiology*, Oxford University Press, New York, pp. 174-190.

Knack, S. & keefer, P., (1997), "Does social Capital have an Economic Payoff? A

Cross-Country Investigation", *Quarterly Journal of Economics*, 112 (4): 1251-1288.

Krishna, A. (2002), *Active Social Capital: Tracing the Roots of Development and Democracy*, New York: Colombia University Press.

Krishna, Anirudh, (2008), "Social capital and economic development", In: Castiglione, D., van Deth, J., Wolleb, G. (Eds.), *The Handbook of Social Capital*, Oxford University Press, Oxford, pp. 438-466.

Krishna, A. & Shrader, E. (2000), "Crosscultural measure of social capital: a tool and results from India and Panama", Washington DC: world bank social capital initiative paper No. 21.

Krishna, A., Uphoff, N. (1999), "Mapping and Measuring Social Capital: A conceptual and Empirical Study of Collective Action for Conserving and Developing Watersheds in Rajasthan", India Social Capital Initiative working paper no. 13, Washington D.C, World Bank.

Krishna, A & Uphoff, N. (2002), "Mapping and Measuring Social Capital Through Assessment of Collective Action to Conserve and Develop Watersheds in Rajasthan", India.

Lazega, Emmanuel & Pattison, Phillipa E. (2001), "Social capital as social mechanisms and collective assets: the example of status auctions among colleagues", In: *Social Capital: Theory and Research*, edited by Ronald Burt. New York: 185-208. Aldine de Gruyter.

Lin, Nan, (2001), *Social Capital: A Theory of Social Structure and Action*, Cambridge University Press, New York.

Murphy, Brenda, Leanna Flakiner, Gordon McBean, Holly Dollant, and Paul Kovacs, (2005), "Enhancing local level emergency management: The influence of disaster experience and the role of households and neighborhoods", Paper series 43. Toronto: Institute for Catastrophic Loss Reduction, Retrieved January 10, 2007. (Available from:

<http://www.iclr.org/pdf/pine%20lake%20brenda%20murphy.pdf>).

Narayan, D. & cassidy, M. (1999), "A Dimensional Approach to Measuring Social Capital: Development and Validation of a Social Capital Inventory", World Bank, Poverty Reduction and Economic Management Network, Washington D.C. Processed.

Narayan, Deepa, Pritchett, Lance, (2000), "Social capital: Evidence and implications", In: Dasgupta, P., Serageldin, I. (Eds.), *Social Capital, a Multifaceted Perspective*, The World Bank, Washington, DC, pp. 269-295.

Nogueira, H. (2008), "Healthy communities: The challenge of social capital in the Lisbon Metropolitan Area", www.elsevier.com/locate/healthplace.

Ostrom, Elinor, (2000), "Social capital: Fad or a fundamental concept?" In: Dasgupta, P., Serageldin, I. (Eds.), *Social Capital, a Multifaceted Perspective*, The World Bank, Washington, DC, pp. 172-214.

Ostrom, Elinor, (1997), "Crossing the great divide: Coproduction, synergy, and development", In: P. Evans (Ed.), *State-society synergy: Government and Social Capital in Development*, University of California Press/University of California International and Area Studies Digital Collection, Edited Volume 94, Retrieved April 27, 2006, pp. 85-118. (Available from: <http://repositories.cdlib.org/uciaspubs/research/94/5>).

Portes, Alejandro, Sensenbrenner, Julia, (1993), "Embeddedness and immigration: Notes on the social determinants of economic action", *American Journal of Sociology* 98 (6), 1320-1350.

Putnam, R. D. (2000), "The prosperous community: social capital and Public life-the American prospect", <http://www.prospect.Org/print/v4/13/putnam-r.html>.

Ramstrom, J, (2005), "Inter-organizational meets inter-personal: An exploratory study of social capital" processes in relationships between Northern European and ethnic Chinese firms, *Elsevier Industrial Marketing Management* 37, 502-512.

Rose, Richard, (1998), "Getting things Done in an Anti-Modern society: social capital Networks in Russia", washington DC: world Bank social capital Initiative paper No. 6.

Rothstein, Bo, (2001), "Social capital in the social democratic welfare state", *Politics and Society* 29 (2), 207-241.

Shortall, S. (2008), "Are rural development programmes socially inclusive? Social inclusion", civic engagement, participation, and social capital: Exploring the differences, *Elsevier Journal of Rural studies xxx* (2008) 1-8.

Social Capital Interest Group (SCIG), (2000), Short papers from the April, 1998 social capital conference at Michigan State University, *The Journal of Socio-Economics* 29 (6), 579-586.

Szreter, Simon, (2000), "Social capital, the economy and education in historical perspective", In: Baron, S., Field, J., Schuller, T. (Eds.), *Social Capital: Critical Perspectives*, Oxford University Press, New York, pp. 56-77.

Uslaner, Eric, (2003), "Trust, democracy and governance. Can government policies influence generalized trust?" In: Hooghe, M., Stolle, D. (Eds.), *Generating Social Capital: Civil Society and Institutions in Comparative Perspective*, Palgrave MacMillan, New York, pp. 171-190.

Warren, Mark, Phillip Thompson, J., Saegert, Susan, (2001), "The role of social capital in combating poverty", In: Saegert, S., Thompson, J., Warren, M. (Eds.),

Social Capital and Poor Communities, Russell Sage Foundation, New York, pp. 1-28.

Wood, Lisa *et al.* (2008), "The anatomy of the safe and social suburb: An exploratory study of the built environment, social capital and residents perceptions of safety", *Elsevier Health a Place* 14 15-31.

Yamamura, E. (2007), "The effects of inequality, fragmentation, and social capital on collective action in a homogeneous society: Analyzing responses to the 2005 Japan Census", *Elsevier The Journal of Socio-Economics*.

Zhao, Yandong, (2002), "Measuring the social capital of laid-off Chinese workers", *Current Sociology* 50 (7), 555-557.

خدارحم بزی، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل است (نویسنده مسئول). kh_bazi@yahoo.com.

اکبر کیانی، عضو هیأت علمی دانشگاه زابل است. kianiakbar@yahoo.com
یاسین حنیفی اصل، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است.
امیر راضی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری است.

میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اقتصادی و ...

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره یازدهم، شماره 2

میزان جهت‌گیری عام‌گرایانه و عوامل اقتصادی و اجتماعی

مؤثر بر آن در شهر یاسوج

اصغر میرفردی

چکیده: جهت‌گیری ارزشی افراد يك جامعه نمادی از زیربنای فکری آن جامعه می‌باشد.

این پژوهش به بررسی جهت‌گیری عام‌گرایانه در شهر یاسوج — مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد — می‌پردازد. هدف اصلی